«نیایش»

بنام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

نکته‌های ادبی: مراعات النظیر: سخن و زبان /تلمیح دارد به آیه ۴ سوره الرحمن « خلق الانسان و علمه البیان » انسان را آفرید و به او قدرت تکلم و بیان داد /قافیه: جان و زبان / ردیف آفرین و آفرین

تلمیح: اشاره به داستان، حدیث، آیه وقایع تاریخی در شعر را تلمیح می گویند.

مراعات النظیر: آوردن کلماتی که از نظر معنایی با هم تناسب دارند در شعر یا نثر را آرایه مراعات النظیر می گویند.

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله دارد (فعل آغاز می کنم از مصراع اول حذف شده است / فعل است از مصراع دوم نیز حذف شده).

معنا و مفهوم: با نام خدایی آغاز می کنم که جان را آفرید و سخن گفتن را به انسان آموخت.

خداوند بخشنده دستگیر کریم خطابخش پوزش پذیر

واژه‌های مهم: دستگیر: یاری گر / خطا بخش : بخشنده خطا / پوزش پذیر: عذر پذیرنده .

نکته‌های ادبی: دستگیر: کنایه از یاری گری / واج آرایی کسره و حرف «ش»

کنایه: هر گاه نویسنده یا شاعر دربارهٔ امری، پوشیده سخن بگوید، به طوری که معنای ظاهری عبارت مد نظر نباشد و معنای دورتر آن منظور وی باشد، میگوییم به کنایه صحبت شده است؛

مثال: «دستگیر» ۱ـ معنای نزدیک: دست کسی را گرفتن ۲ـ معنای دور: یاری کردن .

محصولات فروغ دانش

واج آرایی : تکرار یک حرف یا یک مصوت درشعر یا نثر که باعث گوش نوازترشدن موسیقی شعر شود را واج آرایی میگوییم

نکته‌های زبانی: چهار ترکیب وصفی در بیت وجود دارد : ۱ـ خداوند بخشنده ۲ـ خداوند دستگیر ۳ـ خداوند کریم ۴ـ خداوندپوزش پذیر.

معناومفهوم: خداوندی که خطاهای انسان را نادیده می گیرد و در کار ها به او یاری می رساند و عذرخواهی و پوزش اورا می پذیرد

پرستار امرش همه چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و مگس

واژه‌های مهم: پرستار: فرمانبردار / بنی آدم: فرزندان آدم / مرغ: پرنده / مور: مورچه.

نکته‌های ادبی: مراعات النظیر: مرغ و مور و مگس / واج آرایی حروف «م» و «و» /مرغ و مورو مگس پرستار هستند، تشخیص یا همان جان بخشی

جان بخشی یا تشخیص : زمانی که یکی از ویژ گی های انسانی را به غیر از انسان نسبت بدهیم از آرایه جان بخشی استفاده کرده ایم.

نکته‌های زبانی: بیت یک جمله دارد /فعل هستند از مصراع اول حذف شده / نهاد همه چیزو کس / پرستار امر: مسند / «ش» درامَرش: مضاف الیه (امرِ او)

معناومفهوم: همه موجودات از انسان گرفته که اشرف مخلوقات است تا پرندگان و حشرات و... همه مطیع و فرمانبر اویند.

یکی را به سر بر نهد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

واژه‌های مهم: بخت : بهره و قسمت

نکته‌های ادبی : تاج بخت بر سر کسی نهادن : کنایه از عزت و بزرگی به کسی بخشیدن است /از تخت به خاک آوردن : کنایه از پست و ذلیل کردن است /تضاد : تخت و خاک / تاج بخت : اضافه تشبیهی (بخت به تاج تشبیه شده است /

تلمیح : به آیهٔ ۲۲ سورهٔ آل عمران (تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ) خداوند هر کسی را که بخواهد عزت و بزرگی می دهد و هر کسی را که نخواهد، خوار و پست میکند/ مراعات النظیر : سر تاج ، تخت

اضافه تشبیهی : اگر در یک ترکیب اضافی، یکی از واژهها به دیگری تشبیه شده باشد، به آن اضافه تشبیهی می گوییم

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله دارد /« را » اول را فک اضافه و « را » دوم را مفعولی است .

را فک اضافه : زمانی که کسره بین مضاف و مضاف الیه برداشته شود، بعد از مضاف الیه حرف «را » قرار می گیرد و در اغلب موارد جای مضاف و مضاف الیه عوض می شود . و گاهی هم این جابه جایی اتفاق نمی افتد .

مثال: "نامِ من حسن است " در این عبارت ، « نامِ من » = نام ، مضاف و من ، مضاف الیه است . حال اگر کسره بین این دو کلمه را برداریم، می شود = من را نام حسن است (جای مضاف و مضاف الیه عوض شد و و بعد از مضاف الیه حرف را قرار گرفت)

موفقیان فروغ دانش

مثال: مرا مادرم نام مرگِ تو کرد : عبارت اینطور است : مادرم نامِ من مرگ تو کرد است . (که جان ضاف و مضاف الیه عوض شده و بجای کسره یک «را» بعد از مضاف الیه قرا گرفته = مرا نام

معناومفهوم: خداوند هر کس را بخواهد به اوج عظمت و بزرگی می رساند و هر کس را بخواهد بزرگی و عظمتش را می گیرد و به خواری و پستی می رساند .

گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی برآتش برد زآب نیل

واژه‌های مهم: خلیل : دوست - خالص / نیل : رودخانه ای در کشور مصر

نکته‌های ادبی: آب و آتش تضاد دارند / مصراع اول و دوم تلمیح دارد به داستان حضرت ابراهیم و در آتش افکندن وی و گلستان شدن آتش برایشان (آیهٔ ۲۶ سورهٔ انبیا) - و عبور فرعونیان از آب دریای نیل و غرق شدن آنها

نکته‌های زبانی: نهاد : خداوند (محذوف) / آتش : مفعول / خلیل : متمم / گروهی : مفعول(مصراع دوم) / آتش : متمم (مصراع دوم)

معناومفهوم: خداوند آتش نمرود را بر ابراهیم گلستان می کند و فرعونیان را در آب نیل غرق می کند و به دوزخ و جهنم می برد

به درگاه لطف و بزرگیش بر بزرگان نهاده بزرگی ز سر

واژه‌های مهم: در گاه : بار گاه خداوند

مرتبان_فروغ دانش

نکته‌های ادبی: مراعات النظیر: بزرگی و بزرگان / از سر نهادن: کنایه از فراموش کردن / تکرار کلمه بزرگ /مفهوم کنایی مصراع ۱ و ۲ تضاد دارند / تکرار حروف «ب و ز» آرایه واج آرایی را ایجاد کرده است

نکته‌های زبانی: بزرگان: نهاد / بزرگی: مفعول / به درگاه لطف و بزرگی متمم (در قدیم برای تاکید برای یک متمم دو حرف اضافه می آورند «به» و «بر» دو حرف اضافه برای متمم آمده است)

معنا و مفهوم: بزرگان در برابر خداوند، بزرگیشان را فراموش می کنند و فروتنی و تواضع اختیار می کنند.

جهان متفق بر الهیتش فرومانده از کنه ماهیتش

واژه‌های مهم: کُنه: عمق / ماهیت: ذات / مُتفق: هم نظر، همرأی / فرومانده: درمانده و ناتوان شدن / .الهیت: خداوندی / ماهیت: ذات

نکته‌های ادبی: .فرواندن: کنایه از درمانده و ناتوان شدن

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله است و است از آخر مصراع اول حذف شده /جهان: نهاد(هردو جمله) /متفق: مسند / الهیتش: متمم / کُنه ماهیتش: متمم / فرومانده: فعل (فرومانده است، فعل ماضی نقلی گذرا به متمم)

معنا و مفهوم: موجودات جهان در اقرار به خدایی خداوند هم سو و هم فکر هستند اما از شناخت ذات خداوند ناتوانند.

بشر ماورای جلالش نیافت بصر منتهای جمالش نیافت

متولیان_فروغ دانش

واژه‌های مهم: ماورا : فراتر، آنسو، پشت سر / بصر: دیده /منتها : آخر / جمال : زیبایی / جلال : شکوه و عظمت .

نکته‌های ادبی: بصر نیافته است : آرایه تشخیص (جان بخشی) / جمالش و جلالش قافیه — نیافت ردیف .

نکته‌های زبانی: بشر و بصر : نهاد / ماوراجلال و منتهاجمال : مفعول /نیافت : فعل / بیت دو جمله است .

معناومفهوم: انسان موجودی بزرگتر و باشکوه تر و با عظمت تر از خداوند ندیده است و هیچ دیده ای زیباتر از خداوند ندیده است (انسان ها حقیقت عظمت و شکوه خداوند را درک نمی کنند)

تامل در آیینه دل کنی صفایی به تدریج حاصل کنی

واژه‌های مهم: تامل : اندیشه ودرنگ / صفا : پاکی / حاصل کردن : بدست آورن

نکته‌های ادبی: آیینه دل : اضافه تشبیهی (دل آیینه است)

نکته‌های زبانی: بیت ۲ جمله دارد / تو (محذوف)نهاد / آیینه دل: متمم /صفایی : مفعول / به تدریج : متمم و همچنین قید / حاصل کنی : فعل / آیینه دل : ترکیب اضافی.

معناومفهوم: اگر به درون خودت (دلت) بیشتر توجه کنی به مرور زمان وجودت پاک می شود.

محال است سعدی که راه صفا توان رفت جز بر پی مصطفی

واژه‌های مهم: مُحال : غیر ممکن / پی : به دنبال / مصطفی : برگزیده

نکته‌های ادبی: سعدی تخلص است .

نکته‌های زبانی: سعدی : منادا / بیت ۳ جمله دارد (محال است یک جمله ــ سعدی (منادا) یک جمله ــراه صفا را جز بر پی مصطفی توان رفت، سومین جمله/ / محال: مسند / است : فعل اسنادی /راه صفا : مفعول /رفت : فعل / پی : متمم .

تخلص : در لغت به معنای «خلاص و رها شدن است » اما در اصطلاح ادبی، نامِ شعریِ شاعر و نام ویژهٔ اوست.

گویی، شاعر با نوشتن تخلص از بند سخن آزاد میشود. تخلص مانند امضا و نشانی است که معمولاً در پایان شعر می آید.

معنا و مفهوم: ای سعدی غیرممکن است که جز با پیروی از حضرت محمد (صل اللّٰه علیه و آله وسلم) بتوان به صفا و پاکی دست یافت.

متولیان_فروغ دانش

«پیش از اینها»

پیش از اینها فکر می کردم خدا خانه‌ای دارد میان ابرها

معنی و مفهوم: قبل از این ها فکر می کردم که خداوند خانه‌ای در آسمان و میان ابرها دارد

نکته زبانی: بیت دو جمله دارد / خدا / نهاد / خانه ای / مفعول / میان ابرها : قید

مثل قصر پادشاه قصه‌ها خشتی از الماس خشتی از طلا

واژه‌های مهم: خشت: آجر، آجر خام / قصر: کاخ

معنی و مفهوم: قصر و کاخی که مانند کاخ پادشاهان داستان‌ها است و از طلا و الماس ساخته شده است

آرایه: تشبیه: خانه خدا به قصر پادشاه. (وجه شبه: خشتی از الماس وطلا) /مراعات نظیر: مراعات النظیر بین «قصر و پادشاه» و «الماس وطلا» / تکرار مصوت ـِ در مصراع اول

نکته زبانی: قصر : متمم

پایه‌های برجش از عاج و بلور بر سر تختی نشسته با غرور

واژه‌های مهم: عاج: دندان فیل، گراز یا کرگدن که برای ساخت اشیا زینتی استفاده می‌شود /بلور: شیشه

معنی و مفهوم: ستون‌های قصرش از عاج و شیشه است و شاه بر روی تخت شاهی با تکبر و غرور نشسته است

آرایه: از عاج و بلور بودن : کنایه از قیمتی بودن

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله دارد / پایه های برجش : نهاد / سر و غرور: متمم

ماه، برق کوچکی از تاج او هر ستاره پولکی از تاج او

واژه‌های مهم: برق: درخشش

معنی و مفهوم: فکر می کردم که نور ماه انعکاس کوچکی از تاج او است و ستاره‌های آسمان پولک‌های تاج او هستند

مرتبان_فروغ دانش

آرایه: تشبیه: درمصراع اول ماه به برق کوچکی از تاج او تشبیه شده است که وجه شبه در آن "نور" است. درمصراع دوم نیز ستاره به پولکی از تاج او تشبیه شده است که وجه شبه آن درخشندگی است. / مراعات النظیر: بین ماه وستاره وبرق.

نکته‌های زبانی: این بیت دو جمله است که فعل است از پایان هر دو مصراع حذف شده است

رعد و برق شب طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعره‌ی توفنده‌اش

واژه‌های مهم: توفنده: پرخروش، خروشان / طنین: آهنگ، انعکاس صدا

معنی و مفهوم: فکر می کردم رعد و برق انعکاس صدای خنده‌ی خداست و سیل و طوفان ناشی از فریاد و خروش بلند اوست

آرایه: تشبیه: درمصراع اول طنین خنده‌اش به رعد و برق شب تشبیه شده است و وجه شبه در آن "صدا" است / در مصراع دوم نیز نعره توفنده‌اش به سیل وطوفان تشبیه شده است که وجه شبه آن ترسناک و ویرانگری است

نکته‌های زبانی: این بیت دو جمله است که فعل است از پایان هر دو مصراع حذف شده است

هیچ کس از جای او آگاه نیست هیچ کس را در حضورش راه نیست

معنی و مفهوم: کسی از جای او خبری ندارد و کسی اجازه ملاقاتش را نیز ندارد

« آرایه: راه نیست کنایه از پذیرفته نشدن

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله است / آگاه : مسند / راه : نهاد / را رد مصراع دوم به معنی برای و حرف اضافه است / نیست در مصراع دوم به معنی وجود ندارد است و فعل غیر اسنادی.

آن خدایی رحم بود و خشمگین خانه‌اش در آسمان دور از زمین

معنی و مفهوم: آن خدایی که من در ذهن داشتم خدایی بی‌رحم و خشمگین بود که خانه‌اش از زمین دور بود و در آسمان ها بود.

« آرایه: آسمان و زمین : مراعات النظیر

نکته‌های زبانی: بیت ۳ جمله است و «بود» بعد از خشمگین و «است» در پایان مصراع دوم حذف شده است

بود، اما در میان ما نبود مهربان و ساده و زیبا نبود

معنی و مفهوم: : او وجود داشت اما در بین مردم نبود او مهربان و زیبا و دوست داشتنی نبود

نکته‌های زبانی: بیت ۳ جمله دارد / بود و نبود در مصراع اول به معنی وجود داشتن است و فعل غیر اسنادی / فعل اسنادی / نبود در مصراع دوم فعل اسنادی / مهربان و ساده و زیبا : مسند

در دل او، دوستی جایی نداشت مهربانی، هیچ معنایی نداشت

معنی و مفهوم: در قلب او دوست داشتن و عشق و ترحم و مهربانی کردن معنا و مفهومی نداشت

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله است / جایی و هیچ معنایی : مفعول

مرتبان_فروغ دانش

هرچه می پرسیدم از خود از خدا از زمین از آسمان از ابرها

معنی و مفهوم: هرچه از دیگران درباره خدا و خودم و زمین و آسمان و ابرها سوال می کردم

آرایه: تکرار حرف «ز» واج آرایی / زمینو آسمان مراعات النظیر /

این بیت موقوف المعانی است یعنی معنی اش با بیت بعدی کامل می شود.

نکته های زبانی: می پرسیدم جمله چهار جزئی با مفعول و متمم / هرچه: مفعول / خود، خدا، زمین، آسمان و ابرها: متمم / بیت از یک جمله تشکیل شده

«زود می گفتند: «این کار خداست پرس و جو از کار او کاری خطاست

معنی و مفهوم: همه می گفتند که این کار خداست و سوال کردن در مورد او اشتباه و خطاست

« آرایه: کار سه بار تکرار شده است / تکرار حروف « ک ــ ر» واج آرایی

نکته های زبانی: بیت ۳ جمله دارد / عبارت بعد از «می گفتند» مفعول است : چه چیزی را می گفتند: این کار خداست /این: نهاد / کار خدا: مسند

نیت من در نماز و در دعا ترس بود و وحشت از خشم خدا

واژه های مهم: نیت: قصد، آهنگ، عزم

معنی و مفهوم: و من به قصد و دلیل ترس و وحشت از خشم خدا نماز و دعا می خواندم

« آرایه: نماز و دعا: مراعات النظیر / ترس و وحشت و خشم: مراعات النظیر

مرتبان دروغ داش

نکته‌های زبانی: بیت ۲ جمله است که فعل« بود »بعد از «خشم خدا» حذف شده است / نیت من : نهاد / ترس : مسند / محشت : مسند

پیش از این‌ها، خاطرم دلگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود

واژه‌های مهم: خاطر: اندیشه، فکر، دل، ذهن، ضمیر

معنی و مفهوم: این تصویر قبلی باعث شده بود من از خدا ناراحت و دلگیر باشم و تصور کنم خدا همیشه به همین شکل است

نکته‌های زبانی: بیت دو جمله دارد / در مصرع اول بود اسنادی است و در مصراع دوم بود به معنی وجود داشتن و غیر اسنادی است بنابراین تصویر» نهاد است .

تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر

. معنی و مفهوم: تا اینکه یک شب به همراه پدرم به قصد یک سفر حرکت کردم .

نکته‌های زبانی: بیت یک جمله دادر / نهاد : من (حذف شده) / «یک شب» و «دست در دست پدر» : قید

در میان راه، در یک روستا خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا

معنی و مفهوم: تا اینکه در میانه‌ی راه و در روستایی خانه‌ای خوب و آشنایی را دیدیم

نکته‌های زبانی: بیت یک جمله دارد / خانه ای : مفعول / خانه ای خوب و آشنا : دو ترکیب وصفی

«زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست؟ گفت: «اینجا خانه‌ی خوب خداست

معنی و مفهوم: زود از پدرم پرسیدم این جا کجاست؟ پدرم در جواب گفت: اینجا خانه ی خوب خداست

« آرایه: تکرار: تکرار شدن کلمه "اینجا" که مایه زیباتر شدن شعر شده است

نکته‌های زبانی: بیت دارای پنج جمله است / پدر: منادا / اینجا : نهاد / کجا : مسند / اینجا : نهاد /خانه خوب خدا : گروه مسندی (خوب صفت _ خدا : مضاف الیه)

گفت: «اینجا می‌شود یک لحظه ماند گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند

معنی و مفهوم: پدرم گفت: در این محل می توان لحظه‌ای تنها ماند و در گوشه‌ای خلوت تر روی صداقت نماز و دعایی خواند

نکته‌های زبانی: بیت چهار جمله است / اینجا و یک لحظه : قید / گوشه ای خلوت : ترکیب وصفی / نمازی ساده : ترکیب وصفی و در نقش مفعول

باوضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت‌وگویی تازه کرد

واژه‌های مهم: تازه کردن: از نو کردن، احیا کردن

معنی و مفهوم: اینجا می توان وضو گرفتن دست و روی خودرا شاداب و سرحال کرد و از راه دل با خدا حرف زد

نکته‌های زبانی: بیت ۲ جمله دارد .

گفتمش: «پس آن خدای خشمگین خانه‌اش اینجاست؟ اینجا در زمین

معنی و مفهوم: به پدرم گفتم: پس خانه‌ی آن خدای خشمگین و عصبانی، اینجا بر روی زمین است؟

نکته‌های زبانی: ـَـش در گفتَمَش : متمم (به او گفتم)

گفت: «آری خانه‌ی او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست

واژه‌های مهم: بوریا: حصیری که از نی بافته می‌شود / گلیم: نوعی فرش که از موی بز و گوسفند می‌بافند / بی ریا: راست و با صداقت، بدون تظاهر و خودنمائی

معنی و مفهوم: پدرم گفت: آری خانه‌ی خدا ساده وبدون تجمل است و فرش‌هایش از حصیر و گلیم است

« آرایه: فرش و گلیم و بوریا : مراعات النظیر

نکته‌های زبانی: بیت ۴ جمله است / آری در اینجا یک جمله است

مهربان و ساده و بی‌کینه است مثل نوری در دل آیینه است

واژه‌های مهم: کینه: دشمنی و عداوت و بدخواهی

معنی و مفهوم: او خدایی مهربان و بی کینه است و از دشمنی و انتقام دوراست او مثل نور آینه در دل انسان های خوب جای دارد.

آرایه : (خداوند) مثل نور: تشبیه / دل آیینه : تشخیص / آیینه نماد : دل انسان های خوب

مهربان_فروغ دانش

.نکته‌های زبانی: بیت دو جمله دارد / مهربان و ساده و بی کینه : گروه مسندی / نوری : متمم

عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی

معنی و مفهوم: خشم و دشمنی از ویژگی‌های خدا نیست خدا نورو روشنایی است که وجود انسان را پاک می کند.

آرایه: تکرار «ش»واج آرایی / نام اونور: تلمیح دادر به آیه « اللّه نور السماوات و الارض »خداوند نور « آسمانها و زمین است /

نکته‌های زبانی: مصراع اول یک جمله است / مصراع دوم دو جمله است: ۱_نام او نور است ۲_ نشانش روشنی است.

تازه فهمیدم: خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست

معنی و مفهوم: تازه فهمیدم انی خای من است خدایی مهربان و آشنا

نکته‌های زبانی: بیت ۳ جمله است.

دوستی از من به من نزدیک تر از رگ گردن به من نزدیک تر

معنی و مفهوم: این خدا تنها دوستی است که به من نزدیک است و حتی ازرگ گردن هم به من نزدیک تر است

« آرایه: این بیت تلمیح دارد به آیه « ۱۶سوره ق»« و نحن اقرب الیه من حبل الورید »

مولیان_فروغ دانش

نکته‌های زبانی: بیت ۳ جمله است و در پایان هر ۳ جمله فعل «است» حذف شده دوستی (است که) از من به من نزدیکتر (است) از رگ گردن به من نزدیک تر (است)

می‌توانم بعد از این، با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا

معنی و مفهوم: من می توانم با این خدای پاک و دور از دورویی دوست باشم

«صور تگر ماهر»

راستی را کس نمی داند که در فصل بهار از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار

نکته زبانی: «را» در عبارت «راستی را» به معنی «به» است / پدیدار: مسند

معنی و مفهوم: به راستی که کسی نمی داند در فصل بهار این همه نقش و نگار زیبا از کجا پدیدار می شود

عقل‌ها حیران شوند گر خاک تاریک نژند چون برآید این همه گل‌های نغز کامگار

آرایه ادبی: عقل حیران شد: تشخیص

نکته زبانی: حیران: مسند / خاک تاریک نژند: ترکیب وصفی

معنی و مفهوم: عقل انسان ها سرگشته و متحیر می شود که از خاک سرد این همه گل های سرخ زیبا می روید

چون نپرسی کین تماثیل از کجا آمد پدید چون نجویی کین تصاویر از کجا شد آشکار

نکته زبانی: بیت چهار جمله است

آرایه ادبی: چون : تکرار / کجا : تکرار / تکرار حرف « ک» :واج آرایی

معنی و مفهوم: چگونه نمی پرسی که این همه شکل از کجا پدید آمده است ؟ چرا جست و جو نمی کنی که ببینی این همه تصویر از کجا بوجود آمده

برق از شوق که می خندد بدین سان قاه قاه ابر از هجر که می گرید بدین سام زار زار

آرایه ادبی: می خندد و می گرید : تضاد / خندیدن برق و گریستن ابر : تشخیص / بدین سان : تکرار

معنی و مفهوم: برق آسمان بخاطر شوق دیدن چه کسی اینطور با صدای بلند می خندد و ابر از دوری چه کسی این طور با غم و اندوه گریه می کند (منظور صدای باران و رعدو برق است)

کیست آن صورتگر ماهر که بی تقلید غیر این همه صور پدید آرد در صفحه هستی به کار؟

آرایه ادبی: صفحه هستی : اضافه تشبیهی / صورتگر، صورت و صفحه مراعات النظیر /

نکته زبانی: بیت دو جمله است / آن صورتگر ماهر : نهاد / کی : (کی است) : مسند / این همه صورت : مفعول

معنی و مفهوم: آن نقاش ماهر خداوند بزرگ است که بدون تقلید از دیگران این همه تصویر را در جهان هستی کشیده است (بوجود آورده)

«شوق مهدی»

گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

معنی: گفتم ای امام زمان چرا چهره خودرا از ما پنهان میکنی و ظهور نمی کنی ؟ در جواب گفت : چهره من آشکار و قابل دیدن است اما تو خودت مانع دیدن من هستی

آرایه ادبی : عیان و نهان : تضاد

نکته دستوری: َت در خوبت : مضاف الیه و مرجع ضمیر متصل : حضرت مهدی (عج) است . / نهان : مسند / «ی» در حجابی فعل اسنادی به معنی هستی و حجاب مسند است / عیان : مسند

گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت گفتا نشان چه پرسی آن کوی بی نشان است؟

معنی: گفتم ای محبوبم محل زندگی تورا از چه کسی سوال کنم ؟ گفت به دنبال نشانی محل زندگی من نگرد زندگی من بدون نشان است .

آرایه ادبی : تکرار واژه نشان آرایه تکرار

نکته دستوری: جان : منادا / «ا» نشانه ندا / نشان در مصراع اول و دوم مفعول

گفتم مرا غم تو خوش تر ز شادمانی گفتا: که در ره ما غم نیز شادمان است

معنی: گفتم غم عشق تو از شادمانی برای من شیرین تر است گفت : غمی که در راه رسیدن به ما به عاشقان میرسد غم نیست که خوده شادمانی است

آرایه ادبی: غم و شادی : تضاد / شادمان بودن غم : تشخیص و پارادوکس /

پارادوکس: وقتی دو ویژگی که همدیگر را نقض می کنند را با هم بیاوریم : فریاد بی صدا/ غم : تکرار

گفتم که سوخت جانم از آتش نهانم گفت: آن که سوخت اورا، کی ناله یا فغان است؟

معنی: آتش عشق تو که در وجودم است وجود مرا سوزانده است عاشقی که در راه معشوق می سوزد دیگر از او ناله و فریادی بلند نمی شود

آرایه: سوختن جان "کنایه از گرفتار رنج و عذاب شدن / آتش و سوخت : مراعات النظیر / سوخت : تکرار /

جمله آخر مصراع دوم : استفهام انکاری است

گفتم ز «فیض» بپذیر این نیم جان که دارد گفتا: نگاه دارش غم خانه تو جان است

معنی: به معشوق گفتم این جان خسته و بی رمق مرا از من قبول کن . گفت آن را حفظ کن زیرا جان تو جایگاه غم عشق من است .

نکته ادبی: « فیض » تخلص شاعر است

نکته دستوری: « َش » در «نگاه دارش »: مفعول است که مرجع آن نیم جان است .

هنرجویان فروغ خرد

«راه نیک بختی»

زین گفته سعادت تو جویم پس یاد بگیر هرچه گویم

معنی : هدف من از گفتن این نصیحت سعادت و خوشبختی تو است پس هر چه می گویم گوش کن و بپذیر

آرایه ادبی : جویم و گویم : قافیه

نکته دستوری: ۳ جمله دارد/زین (مخفف از این ، از حرف اضافه) این گفته : متمم / سعادت تو : مفعول / / هرچه : مفعول

می باش به عمر خود سحر خیز وز خواب سحرگهان بپرهیز

معنی: در تمام زندگی خود سحر خیز باش و از خواب صبحگاهی دوری کن.

آرایه ادبی: سحر خیز، خواب سحر گهان : مراعات النظیر

نکته دستوری: ۲ جمله دارد/ سحر خیز : مسند / می باش و بپرهیز : فعل امر

با مادر خویش مهربان باش آماده خدمتش به جان باش

معنی: با مادرت خوش رفتار باش و با تمام وجودت به او خدمت کن

آرایه ادبی : واج آرایی : حرف «ش» /

مهربان_فروغ دانش

نکته دستوری: ۲ جمله دارد / مهربان : مسند / آماده خدمتش : گروه مسندی

با چشم ادب نگر پدر را از گفته او مپیچ سر را

معنی: با پدرت محترمانه رفتار کن و از دستورش سرپیچی نکن (از او اطاعت کن)

آرایه ادبی: سر و چشم: مراعات النظیر / چشم و نگر: مراعات النظیر / با چشم ادب نگاه کردن : کنایه از با احترام مودبانه نگاه کردن است / سر مپیچ : کنایه از نا فرمانی نکردن است / بیت ۳ و ۴ تلمیح دارد به آیه ۶سوره نساء : « وبالوالدین احسانا »(به پدر و مادر خود نیکی کنید) .

نکته دستوری: ۲ جمله دارد / را به معنی به و حرف اضافه است : به پدر نگر / را در مصراع دوم نشانه مفعولی است .

چون این دو شوند از تو خرسند خرسند شود ز تو خداوند

معنی : وقتی پدر و مادر از تو راضی باشند خداوند نیز از تو خشنود خواهد شد .

آرایه ادبی : خرسند : تکرار

نکته دستوری: دو جمله دارد / مرجع « این دو » پدر و مادر است / این دو : نهاد / چون : حرف ربط به معنی اگر

چون با ادب و تمیز باشی پیش همه کس عزیز باشی

معنی : اگر مودب و پاکیزه و صاحب تشخیص باشی نزد همه عزیز و دوست داشتنی خواهی بود .

مرتبان_فروغ دانش

آرایه ادبی: باشی و باشی :ردیف / تمیز و عزیز :قافیه

نکته دستوری: ۲ جمله دارد / چون به معنی اگر و حرف ربط

می کوش که هرچه گوید استاد گیری همه را به چابکی یاد

معنی: تلاش کن هرچه معلم به تو می گوید و آموزش می دهد همه را به سرعت و زیرکی یاد بگیری

نکته دستوری : ۳ جمله دارد / هرچه و همه مفعول / می کوش : فعل امر (بکوش)

زنهار مگو سخن به جز راست هرچند تو را در آن ضرر هاست

معنی : آگاه باش که همیشه حرف راست بگویی و از دروغ دوری کنی هرچند راست گفتن به ضرر تو تمام شود.

آرایه ادبی: مگو و سخن : مراعات النظیر / تلمیح دارد به حدیث: «النجاه فی الصدق» (نجات انسان در راستگویی است)

نکته دستوری: ۳ جمله دارد / زنهار شبه جمله است و یک جمله / سخن : مفعول / تو: متمم / را حرف اضافه به معنی « برای » / ضرر ها : نهاد

هر شب که روی به جامه خواب کن نیک تامل اندرین باب

معنی: هر شب که برای خوابیدن به رختخواب می روی در این باره فکر و تامل کن.

آرایه ادبی: این بیت با بیت بعدی(۹ و ۱۰) موقوف المعانی اند.

همیاران_فروغ دانش

کان روز به علم تو چه افزود وز کرده خود چه برده ای سود

معنی: چه چیزی آن روز به علم و دانش تو افزوده شد و از کارهایی که انجام دادی چه سودی برده ای .

نکته دستوری: چه در مصراع اول نهاد است و ضمیر پرسشی / چه در مصراع دوم صفت پرسشی : چه سود برده ای ؟ / چه سود : مفعول

روزی که در آن نکرده ای کار آن روز ز عمر خویش مشمار

معنی : روزی را که در آن کار مفیدی انجام نداده ای جزو روزهای تلف شده حساب کن و از روزهای عمرت به حساب نیاور

آرایه ادبی: بیت ۱۰ و ۱۱تلمیح دارد به آیه قرانی «حاسبو قبل ان تحاسبو »(به حساب خود برسید قبل از آن که به حساب شما برسند »

نکته دستوری: کار: مفعول / آن روز: مفعول

متولیان فروغ دانش

«آزادگی»

خارکش پیری با دلق ـ درشت پشته ای خار همی برد به پشت

معنی: پیرمرد خارکشی که لباس پشمی کهنه ای پوشیده بود، توده ای خار را روی پشتش حمل می کرد.

آرایه ادبی: خارکش ،خار: مراعات نظیر، / تکرار «ش» ، واج آرایی

نکته دستوری: خارکش پیر: ترکیب وصفی مقلوب =پیر خارکشی) / همی برد: ماضی ساده

لنگ لنگان قدمی برمی داشت هرقدم دانه شکری می کاشت

معنی: آهسته آهسته راه می رفت و هر قدمی که بر می داشت،خدا را شکر می کرد.

آرایه ادبی: دانه شُکری: اضافه تشبیهی(شُکر به دانه تشبیه شده که کاشته می شود) / دانه شکر کاشتن : کنایه از اینکه خدارا شکر می کرد /دانه و کاشت : مراعات النظیر

نکته دستوری: لنگ لنگان:(قید حالت) آهسته آهسته / قدمی و دانه :مفعول / دانه شکر : ترکیب اضافی

کای فرازنده این چرخ بلند وی نوازنده دل های نژند

معنی: (با خود می گفت:) ای خدای آفریننده این آسمان با عظمت و ای کسی که به دل های غمگین مهربانی می کنی.

آرایه ادبی: واج آرایی« ن»

نکته دستوری: بیت چهار جمله است / منادا در جمله اول و سوم حذف شده است / فعل هستی دو بار در جمله دوم و چهارم حذف شده است / چرخ بلند و دل های نژند هر دو ترکیب وصفی

کنم از جیب نظر تا دامن چه عزیزی که نکردی با من

معنی: از سر تا پای خودم را که نگاه می کنم،می بینم که چه قدر به من عزت و سربلندی داده ای.

جیب: یقه،در این جا:بالا/دامن: پایین لباس،در این جا:پایین

آرایه ادبی: جیب،دامن: مراعات نظیر

مرجان دروغ دانش

نکته دستوری: بیت ۲ جمله است / دامن : متمم (تا بیانگر فاصله است) /چه عزیزی: گروه مفعولی

در دولت به رخم بگشادی تاج عزت به سرم بنهادی

معنی: مرا به سعادت و خوشبختی رساندی و سر فراز و ارجمند گرداندی

آرایه ادبی: در دولت گشودن : کنایه از خوشبختی وسعادت /تاجِ عزت:اضافه تشبیهی /تاج و سر : مراعات النظیر / تاج عزت بر سر کسی نهادن : کنایه از سربلند و بزرگ کردن

نکته دستوری: بیت ۲ جمله دارد / در دولت : گروه مفعولی(در هسته و دولت وابسته) / تاج عزت : گروه مفعولی (تاج ، هسته و عزت وابسته)

حد من نیست ثنایت گفتن گوهر شکر عنایت سفتن

معنی: من نمی توانم تورا ستایش کنم و شکر نعمت تورا به جای آورم . (سفتن : سوراخ کردن)

آرایه ادبی: گوهر شُکر : اضافه تشبیهی / سفتن گوهر شکر : کنایه از سپاسگزاری کردن از لطف خداوند /

نکته دستوری: بیت ۲ جمله است / گفتن ثنای تو : گروه نهادی : گفتن : هسته و ثنا و تو : وابسته / حد : مسند / سفتن گوهر شکر عطای تو : گروه نهادی / حد من نیست : در مصراع دوم حذف شده (سفتن گوهر شکر عطای تو حد من نیست)

نوجوانی به جوانی مغرور رخش پندار همی راند ز دور

معنی: از دور،نوجوانی که به جوانی خود مغرور بود،در حالی به جوانی خود مغرور بود،به سوی خار کش آمد .

رخش :اسم اسب رستم،در این جا اسب/پندار:فکر و خیال

مولیان - فروغ دانش

آرایه ادبی: رخش پندار: اضافه تشبیهی (خیال به اسب تشبیه شده) / رخش پندار راندن : کنایه از مغرور و متکبر بودن

نکته دستوری: همی راند : میراند (ماضی ستمراری)

آمد آن شکرگزاریش به گوش گفت کای پیر خرف گشته خموش

معنی: صدای شکر گزاری خارکش به گوش جوان مغرور رسید، گفت:«ای پیرمرد کم عقل،ساکت شو.

آرایه ادبی: به گوش آمدن : کنایه از شنیدن / تکرار «ش و گ» ،واج آرایی

نکته دستوری: بیت چهار جمله است / پیر خرف گشته : ترکیب وصفی / شکرگزاریش :«ش» به پیرمرد برمی گردد و نقش مضاف الیه دارد /فعل باش بعد از خموش حذف شده است .

خار بر پشت، زنی زین سان گام دولتت چیست؟ عزیزیت کدام؟

معنی: این طوری،خار بر پشت راه می روی و این حرفها را می گویی؟چگونه خودت را خوشبخت و سرافراز می دانی

نکته دستوری: بیت ۳ جمله دارد / از پایان جمله ۳ فعل است حذف شده است (عزیزیت کدام است ؟)

دولتت : گروه نهادی / «ت» در دولتت و عزیزیت : مضاف الیه (دولت تو، عزیزی تو) / چیست (چه است) مسند / عزیزیت : گروه نهادی / کدام : مسند /

عزت از خواری نشناخته ای عمر در خارکشی باخته ای

معنی: تو فرق بین سربلندی و پستی را نمی دانی و همه عمر خودت را به خارکشی هدر داده ای

آرایه ادبی: عزت،خواری:تضاد / عمر باختن : کنایه از هدر دادن عمر / تکرار «خ» واج آرایی

نکته دستوری: بیت ۲ جمله دارد / عزت : مفعول / عمر : مفعول

پیر گفتا که چه عزت زین به که نیم بر در تو بالین نه

معنی: پیرمرد پاسخ داد:«چه عزتی از این بالاتر که بر در خانه تو گدایی نمی کنم(به تو نیازمند نیستم)

آرایه ادبی: بالین نه : کنایه از محتاج و نیازمند

نکته دستوری: بیت ۳ جمله دارد / بعد از «به» فعل است حذف شده / «به» بهتر است : مسند / بالین نه : مسند (بر در تو بالین نه نیم (نیستنم))

کای فلان چاشت بده یا شامم نان و آبی که خورم وآشامم

معنی: به تو نمی گویم که فلانی به من صبحانه یا شام بده و نانی بده که بخورم یا آبی بده تا بیاشامم.

آرایه های ادبی: چاشت،شام، نان، آب : مراعات النظیر

نکته دستوری: بیت ۶ جمله دارد / فلان : منادا / چاشت و شام و نان و آب : مفعول / «م» در شامم : متمم (شام را به من) / « کای» مخفف « که ای» فعل«بده» بعد از «شامم » حذف شده / فعل «بده» بعد از «نان و آبی» حذف شده است .

شکر گویم که مرا خوار نساخت به خسی چون تو گرفتار نساخت

معنی: خدا را شکر می کنم که مرا پست نکرد و به انسان پستی مثل تو محتاج نکرد.

آرایه ادبی: خسی چون تو: تشبیه دارد (تشبیه جوان به خس و خاشاک به جهت بی ارزشی)

نکته دستوری: بیت از ۳ جمله تشکیل شده است / گویم: می گویم (مضارع اخباری) / چو: مانند و مثل: حرف اضافه / تو: متمم

دادبا این همه افتادگی ام عز آزادی و آزادگی ام

معنی: (خداوند را سپاس می گویم که) با این همه ناتوانی عزت آزادی و بی نیازی داده است.

نکته دستوری: بیت ۱ جمله دارد / عز و آزادی و آزادگی: مفعول / «م» در افتادگی ام، مضاف الیه (افتادگی من) / «م» در آزادگی ام: متمم (عز آزادی و آزادگی (را) به من داد.

مرتبان_فروغ دانش

Copy protected with Online-PDF-No-Copy.com